



سوزهای انتقادی «کاریکاتور» با ۴۰-۵۰ سال پیش، چندان تفاوتی نکرده است!

**خب
حالا برای امروز
کدوم رو
انتخاب کنم?!!**



نگاه حقوقدان

**چه بر سر
کانون وکلا آوردید؟**



محمدجادی جعفریور
حقوقدان و وکیل دادگستری

پس از انقلاب مشروطه، مرحوم حسن پیرنیا در مقام وزیر عدلیه مقارن با سال ۱۲۸۷ کمیسیون تنقیح قوانین را با موضوع ترجمه قوانین خارجی و تدوین مقررات جدید تشکیل داد. اولین مصوبه این کمیسیون، قانون اصول تشکیلات عدلیه بود که با کمک مرحوم مدرس در کمیسیون مذکور تصویب شد. بنا بر مفاد این مصوبه اشخاصی که تمایل به اشتغال حرفه وکالت داشتند، مکلف به گذراندن آزمونی بودند که عدلیه برگزار می کرد. دخالت وزیر دادگستری در صدور و تمدید پروانه اشتغال وکلا اولین چالش وکلا با دستگاه قضایی را رقم زد. در ادامه این اعتراض و چالش در سال ۱۲۹۶ زمان وزارت ممتازالولوله آیین نامه ۲۰ ماده ای مصوب و مصوبه پیشین را فسخ کرد اما وابستگی وکلا به دادگستری بنا بر ماده ۱۹ آیین نامه موجب نارضایتی وکلا بود تا اینکه در اوایل سال ۱۳۰۰ علی اکبر داور پس از بازگشت از سوئیس پروانه وکالت اخذ و در راستای حمایت از حرفه وکالت مقدمات تشکیل کمیسیونی از وکلای دادگستری را بنا بر ماده ۱۵۰ قانون اصول تشکیلات عدلیه فراهم کرد. مقارن با تیرماه ۱۳۰۰ کمیسیون مذکور در قالب هیئت مدیره ی شش نفره شامل: جلال الدین ناهوندی، علی اصغر گرگانی، نقیب زاده مشایخ، احمد شریعت زاده، سیدهاشم وکیل و قوام الدین مجیدی جهت ارائه درخواست های صنفی وکلا در پنج ماده به وزیر دادگستری معرفی شدند. اعتماد رضاشاه به مرحوم داور و تعلق خاطر ایشان به حرفه وکالت سبب شد تا در روز سه شنبه ۲۰ آبان ۱۳۰۹ به دستور علی اکبر داور اولین کانون وکلای دادگستری ایران در تهران تاسیس شود.

پس از این موضوع، لایحه قانونی استقلال کانون وکلا توسط مرحوم مصدق (۱۳۳۲-۱۳۳۳) موجبات استقلال کانون وکلا را به عنوان نهادی مدنی فراهم آورد. به گواه تاریخ سیاسی اجتماعی ایران سال های پس از تصویب لایحه استقلال تا پیش از انقلاب را می توان دوران طلایی نهاد وکالت دانست؛ نهادی که در دوران انقلاب پناهگاه زندانیان سیاسی و خانواده ی ایشان بوده و وکلای مستقل دادگستری با تاسی از تکلیف ذاتی حرفه وکالت به دفاع از حقوق فعالان سیاسی آن زمان در محاکم مختلف قیام کردند. تاریخ انقلاب گواه این ادعاست که اعضای کانون وکلا به دفاع از حقوق متهمینی پرداختند که امروز در بدنه ی حکومت دارای منصب هستند. چندماه پس از انقلاب، سخنان حسن نزیه، رئیس کانون وکلای مرکز در کنگره ی وکلای دادگستری موجب انتقاد و خشم برخی انقلابیون و اعتراض آیت الله بهشتی مقدمات تعطیلی کانون وکلا را فراهم آورد. ۱۶ ماه پس از انقلاب، شورای انقلاب، کانون وکلا را مشمول لایحه پاکسازی کارمندان دولت دانست و به موجب ماده واحده ای اداره این نهاد مدنی مستقلا را به وزارت دادگستری سپرد و همین امر مانع از برگزاری انتخابات دوره بیستم هیئت مدیره کانون وکلا شد. از آن تاریخ تا سال ۱۳۷۶ که قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت تصویب شد، نهاد وکالت با چالش های متنوعی روبه رو بوده اما چالش هایی که طی سال های گذشته علیه تنها نهاد مدنی کشور از سوی مجلس شورای اسلامی و قوه مجریه خاصه وزارت اقتصاد دولت سیزدهم و قوه قضائیه تحمیل شده در تاریخ نهاد وکالت بی سابقه است. تصویب طرح موسوم به تسهیل به پهنای اشتغال جوانان با دخالت در تعریف حد نصاب نمره که بنا به آمار موجود درصدم قابل توجهی از داوطلبان دوره ی اخیر با نمراتی خارج از حداقل های استانداردهای آموزشی در آزمون پذیرفته شده اند، تعداد قابل توجهی از داوطلبان از بازنشستگان ارگان های دولتی و قضایی هستند! دخالت در انتخابات اتحادیه کانون های وکلای دادگستری (اسکودا) که بنا بر قانون تجارت موسسه ایست قراردادی که کانون های وکلای دادگستری جهت هماهنگی امور داخلی خویش به تاسیس آن اقدام کرده اند! تصویب طرح تحقیق و تفحص از کانون وکلا در شریابطی که کانون های وکلا، ریالی از بودجه دولتی استفاده نمی کنند! دخالت در نحوه ی انتخاب اعضای هیئت مدیره کانون های وکلا از طریق رصلاحت برخی نامزدان و یا در دوره ای که غالب نامزدان تاییدصلاحیت شده اند، صدور حکم بر ابطال انتخابات! تعریف حرفه وکالت به کسب و کار و تلقی این نهاد مدنی به عنوان نهادی اقتصادی به موجب مصوبه هیئت مقررات زدایی وزارت اقتصاد! سیاه نمایی های مکرر صداوسیما علیه کانون وکلا و حرفه وکالت در برنامه های متنوع و ساخت فیلم و سریال هایی! بخشی از همه ها و چالش هایی است که طی چند سال گذشته علیه کانون وکلا طراحی و اعمال شده است.

مقابله با نهاد وکالت طی سال های گذشته در حالی فزونی یافته که تدوین کنندگان قانون اساسی با رعایت ضوابط و اصول قانون نویسی ذیل عنوان حقوق ملت، از حضور وکیل در دادرسی عادلانه یاد می شود.

ظریف در دوران وزارت امور خارجه خود همزمان با روی کار آمدن ترامپ نیز بیکار ننشست و نشان داد که در قالب یک دیپلمات عملگرا از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نمی ورزد. او نه تنها به گفته وزیر خارجه سابق ایالات متحده، سناتور جان کری، چند دیدار غیررسمی در چار چوب سفرهایش به نیویورک داشت بلکه با سناتور دموکرات «کریس مورفی» در حاشیه اجلاس مونینخ نیز دیدار و رایزنی کرد و حتی در تیرماه سال ۱۳۹۸ و همزمان با اوج گیری تنش ها با آمریکا در خاور میانه با سناتور جمهوریخواه «رند پال» نیز نشست غیررسمی داشت. ظریف به خصوص در سال های ابتدایی روی کار آمدن ترامپ با چهره های مختلف و پرنفوذ آمریکایی دیدار و رایزنی و لابی گری داشت.

حال البته او در مقام وزارت امور خارجه نیست و سمت رسمی در این حوزه ندارد؛ اما این درست همان چیزی است که در این شرایط به کار دستگاه دیپلماسی ایران می آید. او قیدوندن های دیپلمات های رسمی را ندارد و می تواند با فراغ بال راحت تر آن چیزی را که نشان داده استاد متبحری در آن است، به میدان بیاورد. ظریف بارها نشان داده در حوزه دیپلماسی عمومی و رسانه ای به خصوص در حوزه آمریکا با توجه به شناخت تمام عیار و چنددهه ساله با چهره های حوزه سیاست خارجی ایالات متحده و بازیگران مهم و تعیین کننده آن، می تواند نقشی معادل و متوازن کننده ایفا کند؛ نکته ای که دیپلمات های رسمی امکان ورود آسان و کم تنش به آن را ندارند و از طرف دیگر، طرف مقابل هم شناخت مستقیم و بی واسطه ای از آنان ندارد و به طور طبیعی عطف به آن سابقه و عقیده گفته شده، حرف ظریف در هیئت حاکمه آمریکا بیشتر مورد توجه و التفات خواهد بود.

ظریف در ۶۷ سالگی نه طعمی به قدرت دارد و نه تمایلی به شناخته شدن. اما او ظرفیت بالقوه ای دارد که می تواند در این بزنگاه به کار ملک و ملت بیاید و نقش دیپلمات در سایه را به بهترین وجه ایفا کند. یادمان باشد که آیت الله هاشمی رفسنجانی در پایان بخشی به جنگ ۸ ساله نقش راهگشا و مؤثری داشت و در برهه ای که می توانستیم از ظرفیت خاتمی در عرصه بین المللی استفاده کنیم، با برخی تنگ نظری ها فرصت سوزی بزرگی رقم زدیم. این دو مدل پیش روی ماست و ظریف هم این بار همان سرمایه انسانی خاص و ویژه ای است که می توان از پتانسیل بالقوه او در راستای منافع ملی بهره گرفت. اظهارات چند روز اخیر او پس از پیروزی ترامپ نیز نشان دهنده آن است که وی با همه مخاطرات و ناملامیات محتمل آماده این نقش آفرینی و ایفای رسالت تاریخی خود است و کاش این ظرفیت را قدر بدانیم و استراتژی هدفمند و عمل گرایانه ای را در این زمینه پی ریزی و پیگیری کنیم.

داریم و به واسطه تحریم هم از امکانات و تسهیلات محروم مانده ایم؛ هر چند کارهایی هم انجام داده ایم، تعامل جهانی و حضور پررنگ ما در این رویداد مهم بین المللی می تواند هم به تغییر نگاه جهان به کشورمان کمک کند و هم اینکه بتوانیم موضوعات محیط زیستی را در تعامل با سایر کشورها و بهره گیری از امکانات و فناوری های جهان حل کنیم. تسهیلات بین المللی وجود دارد که می توانیم از آنها بهره مند شویم و در موضوع کاهش انتشار گازهای گلخانه ای، تاب آوری و سازگاری با تغییر اقلیم از آنها استفاده کنیم. ما همچنین در این اجلاس های توانیم از تجربیات جهانی در موضوع معیشت پایدار و سازگاری جامعه محلی بهره بگیریم. «جالب است بدانید که سال گذشته ایران در کاب تغییر اقلیم که در امارات برگزار شده بود، حاضر نشد که شاید علت آن را بتوان همین نگاه های غیر تخصصی به مسئله محیط زیست دانست.

در باره اجلاس کاپ

برخی متخصصان کاپ های تغییر اقلیم را مهم ترین اجلاس های محیط زیستی جهان می دانند. کنفرانس طرف های متعاقد COP، رویدادی سالانه است که طی آن دولت های عضو پیمان های محیط زیستی سازمان ملل گرد هم می آیند تا برای اقدامات اقلیمی به صورت مشترک تصمیم گیری کنند. این دولت ها تنها در صورتی به کاپ دعوت می شوند که بخشی از کنوانسیون های سازمان ملل متحد در زمینه تغییرات اقلیمی مانند کنوانسیون چار چوب تغییرات اقلیمی (UNFCCC)، پروتکل کیوتو یا موافقت نامه پاریس را پذیرفته باشند.

اجرای آئین نامه درباره تحلفات تبلیغاتی، ابطال کل فرایند انتخابات نیست و نمی توان فراتر از قانون عمل کرد. «اوپه تغییرات ایجاد شده در دادگاه عالی انتظامی قضات و شعبه دو آن، اشاره کرده و معتقد است: «کلیت ابطال انتخابات دلیلی فراتر از این دلایل دارد و احتمالاً به مسئله احراز صلاحیت هایی که در شعبه دو دادگاه رخ داد باز می گردد؛ به این معنا که شاید نهاد های امنیتی یا خود قوه قضائیه با این احراز صلاحیت ها موافق نبوده اند اما این موضوع ارتباطی با انتخابات ندارد و اگر مسئله ای درباره احراز صلاحیت ها وجود داشته است، شعبه ای از دادگاه عالی انتظامی قضات که زیر مجموعه قوه قضائیه است اقدام به تایید صلاحیت ها کرده است. تایید صلاحیت ها در غالب دادنامه یاری اعلام شده است و در علم حقوق اگر رای اشتباه به صادر شود، اجرای آن بهتر از عدم اجرای قانون است. بنابراین ما نباید انتخاباتی را که در یکی از اصناف مهم کشور رخ داده است به بهانه عدم رعایت شرایط شکلی ابطال کنیم.»

اعتراض از کرمان تا ابطال در تهران



ابراهیم ایوبی، وکیل دادگستری در این باره به هم میهن می گوید: «ابطال انتخابات کانون وکلای دادگستری مرکز که گفته شده قدیمی ترین نهاد مدنی پلر جای ایران است و در میان حدود سی کانون وکلای کشور نقش محوری دارد، به صرف اعتراض یک وکیل عضو کانون کرمان که سمتی ندارد و به بهانه عدم رعایت مقررات تبلیغات که در انتخاباتی مانند ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی به وفور رخ می دهد؛ پذیرفتنی نیست، گرچه در انتهای دادنامه آمده که رأی قطعی است اما به نظر می رسد با توجه به ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری» (مصوب ۱۳۹۲) و تشخیص رئیس قوه قضائیه مبنی بر خراف شعری بین بودن دادنامه؛ موضوع قابل اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور است. «این حقوقدان اظهار می کند که ابطال انتخابات کانون وکلای دادگستری مرکز در آستانه بیستم آبان و گذشت ۹۴ سال از تأسیس این کانون؛ آن هم به صرف اعای وقوع یک تخلف چند نچندان مهم، موجب ناامیدی در جامعه وکالت و خلاف سیاست ملی وفای است.»

عکس نوشت

تو مثل طلوع خورشید

درباره عکسی از جواد یساری در فرهنگسرای ارسباران

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه نگار

«من دستگاه ها را بلد نیستیم، نمی دانم ابوعطا کدام است؟ شور چطور است؟ دشتی و سلمک را کجا می خوانند؟ اما هر سازی که نوازنده برند، وفق آن می خوانم. این به خاطر عشق است. من عاشق خوانندگی ام.»

این حرف هایی بود که جواد یساری، ده، دوازده سال پیش وقتی در بازار چه خیابان شاپور از او عکاسی می کردم به زبان آورد. همان روز می خواستم یساری را گوشه ای کنار یکشم و بگویم: استاد، عزیز، مرد حسابی این حرف ها را نزن. زمانه عوض شده. این روزها دیگر کسی برای تار سیبل و راستی تره خورد نمی کند. دوره، دوره صبر و خشوع و خشوع نیست. عکاس ها اما در برنامه هایی که آفیش می شوند حرف اضافه نمی زنند من هم نزنم. یکی دوروز پیش به پاس سال ها تلاش در عرصه موسیقی و اثبات وطن دوستی در فرهنگسرای ارسباران برای جواد یساری مراسم تقدیر و تجلیل به پا کردند. ظاهراً عده ای در این مملکت پیدا می شوند که هر چند سال یکبار پیگیر احوال استاد می شوند و چند روزی سر زبان های او آوندش دوباره روز از نو، روزی از نو، در فیلم هایی که از مراسم منتشر شده، شنیدم که یساری با آن صفای همیشگی بالای سن رفت دوباره از سر صدق شروع به حرف زدن کرد. حرف های او را که شنیدم یاد همان مصاحبه افتادم. آن روز نگفتم اما امروز می نویسم آقای جواد یساری یک نگاه به سالن های موسیقی بکن، یک نگاه به بیلوردهای شهر بیانداز، یک سری به پلنت فرم های پخش موسیقی بزن، خیلی هایشان فرق بین غزل و رباعی را نمی دانند. خیلی هایشان شل را به جای فامی خوانند. خدامی داند که از صدی نودشان اگر «اتوتیون» را بگیرد فالش تر از آن می خوانند که بشود پخش کرد اما در کنسرت هایشان جای سوزن انداختن نیست، شما از عشق و صبر می خواندی این ها فحش می دهند و داد می زنند و... اما واقعیت این است که دوره و زمانه عوض شده؛ این روزها باید بلد باشی که چطور خودت، هنرت، صدایت و... بفروشی و گران هم بفروشی. این ها را می نویسم، نوی ساوند کلود سرچ می کنم «تو مثل طلوع خورشید- جواد یساری» هندزفری را اتوی گوشم می گذارم و دکمه پلی را فشار می دهم. استاد می خواند تو مثل طلوع خورشید گاهی سرخی گاهی زردی» و من زیر لب می گویم: گند بزبن به کنسرتی که با دروغ و زور و روشی بخواد «سولد اوت» بشه. صفای درستی ات آقا جواد.



عکس: هادی زند/ایسنا